

	یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۴ وطن امروز شماره ۴۳۸۰
سیاسی	
اخبار	

سپاه‌نسخه‌تشکیل ۲کشور فلسطینی واسرائیلی توطئه‌ای شیطانی است

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت نخستین سالگرد ترور شهید اسماعیل هنیه در بیانیه‌ای تأکید کرد: بی‌شک طراحان نقشه‌نسل‌کشی در غزه به اهداف بلندتری می‌اندیشند که شالوده‌آن بلعیدن مناطق ثروتمندوراهبردی جهان بویژه کشورهای اسلامی است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با گرامیداشت نخستین سالگرد شهادت دکتر اسماعیل هنیه، رئیس سابق دفتر سیاسی حماس، مقاومت و تلباوری امروز مردم غزه برابر نسل‌کشی و جنایت‌آفرینی رژیم صهیونی را نشانه پایبندی آنان به آرمان آزادی فلسطین وقدرس شریف تداوم راه این شهید عالی قدر و دیگر شهدای تاریخ‌ساز مقاومت ضدصهیونیستی دانست. در بخشی از این بیانیه آمده است:
تشدید جنایات رژیم صهیونیستی در جلوگیری از دسترسی مردم مظلوم غزه به منابع اولیه زندگی همچون آب، غذا و دارو، نقض آشکار حقوق بشر و حقوق بین‌الملل است و در حقیقت می‌توان به آن «نسل‌کشی نوین» اطلاق کرد. این بیانیه می‌افزاید: این جنایات بزرگ و ضدبشری که به‌رغم سکوت و حمایت برخی کشورهای غربی مدعی حقوق بشر، گسترش اعتراضات جهانی علیه اقدامات رژیم صهیونیستی را به همراه داشته است، لزوم پاسخگویی نهادهای بین‌المللی به این جنایتگری‌های قرون وسطایی را اجتناب‌ناپذیر کرده و آنها را در معرض بزرگ‌ترین آزمون تاریخی خود قرار داده است. این بیانیه با تحسین موج جهانی حمایت از مردم فلسطین و محکومیت رو به افزایش رژیم اشغالگر، این پدیده را محصول تأثیر روشنگرانه خون شهیدان و مظلومان مردم غزه توصیف و تصریح کرده است:
اقتدار و ایستادگی شگفت‌انگیز فلسطینی‌ها و حمایت‌های مستمر مقاومت اسلامی منطقه بویژه ملت

انقلابی و ظلم‌ستیز ایران بیش از هر زمان دیگری این پیام دهشتناک و نگران‌کننده را فراروی باند تبهکار و جنایتکار حاکم بر واشنگتن و تل‌آویو قرار داده است که سرافزازی مقاومت ضدصهیونیستی قطعی و بی‌پروزی نهایی فلسطین در برابر غاصبان وشتاغلگران نزدیک است. این بیانیه با محکومیت اقدام جنایتکارانه رژیم صهیونی در ترور شهید هنیه در تهران که برای شرکت در آیین تحلیف ریاست جمهوری ایران، میهمان مجلس شورای اسلامی و دستگاه دیپلماسی کشور بود، ظرفیت‌های پنهان مقاومت را ضامن پیروزی غزه و ملت فلسطین، شکست رژیم جعلی و کودک‌کش صهیونی و سافکندگی حامیان آن محسوب و خاطر‌نشان کرد:
بر خلاف تصور دشمن حقیر و پلید صهیونی و پشتیبانان ابلهیس صفت آن، «توفان الاقصی» تنها یک رخداد و شگفتانه تاریخی در یک مقطع از تاریخ مقاومت نبود، بلکه با ضمانت خون‌های پاک شهیدان راه آزادی قدس بویژه شهیدان اسماعیل هنیه و یحیی ستور یک مکتب و راهبرد عملیاتی برای تعیین سرنوشت این میدان است و بر خلاف برخی تحرات و توطئه‌های شیطانی این روزها در تئوژیز نسخه تشکیل کشور فلسطینی و اسرائیلی، یادآور این جمله مشهور شهید هنیه و شعار حماسی حماس فه‌رمان است که «لن نعرف، لن نعرف، لن نعرف بالفیرالس!»، «همی‌شناسیم، نمی‌شناسیم، اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم». این بیانیه با محکومیت شدیدنسل‌کشی در غزه وسکوت مجملع و نهادهای بین‌المللی در برابر جنایات وحشیانه رژیم گرگ‌گشت صهیونی، گرسنگی عمدی و ایجاد حلقی را از مصادیق شناخته‌شده «جنایت

عظیم بشریت» و در مواردی «جنایت جنگی» در حقوق بین‌الملل توصیف و تأکید کرده است:
نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های بین‌المللی برای فرار از شرمساری تاریخی برابر ملت‌ها باید لغو فوری محاصره غزه و ادامه نسل‌کشی در این منطقه را با ابزارهای مؤثر و قهری در دستور کار قرار داده و با اعمال تجربیه‌های جدی علیه رژیم صهیونیستی، عاملان این جنایات را در دیون کثیری می‌المللی با ابتکارهای شبیه آنچه پس از دوران آپارتاید آفریقای جنوبی رقم خورد، محاکمه کنند تا از پرداخت تالان جنایت‌گر در عادی‌سازی گرسنگی و محرومیت از حق دسترسی به غذایه عنوان یک «باز جنگی» در امان نمانند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پایان این بیانیه، مقاومت و تلباوری امروز مردم غزه برابر نسل‌کشی و جنایت‌آفرینی رژیم صهیونی را نشانه پایبندی آنان به آرمان آزادی فلسطین وقدرس شریف تداوم راه شهید هنیه و دیگر شهدای تاریخ‌ساز مقاومت ضدصهیونیستی قلمداد و تأکید کرده است:
بی‌شک طراحان نقشه نسل‌کشی در غزه به اهداف بلندتری می‌اندیشند که شالوده آن بلعیدن مناطق ثروتمندو راهبردی جهان بویژه کشورهای اسلامی است اما به یاری خداوند شکست سکوت مجامع جهانی و هم‌افزایی آنها با مواج‌خروشان اعتراض بین‌الملل ضدصهیونیستی، امال و آرزوهای باند تبهکار صهیونی و آمریکایی بر باد می‌رود و باید منتظر سرنوشت شوم محتوم خود باشند.

استیضاح علی‌آبادی با ۶۵امضا در سامانه مجلس ثبت شد

نماینده کاشمر در مجلس از طرح استیضاح وزیر نیرو با ثبت ۶۵ امضا در سامانه مجلس خبر داد.
به گزارش تسنیم، حجت‌الاسلام جواد نیکبین با اشاره به طرح استیضاح عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو اظهار داشت: مهم‌ترین محور این استیضاح، ناترازی در بخش‌های آب و برق کشور است. متأسفانه قول‌هایی که وزیر نیرو در زمان گرفتن رأی اعتماد به مجلس داده بود، تاکنون عملیاتی نشده و این موضوع موجب نارضایتی جدی مردم شده است. وی افزود: قطع آب و برق بدون اطلاع قبلی، بویژه در فصل تابستان، مردم را دچار مشکل کرده و نارضایتی عمومی را در پی داشته است. از سوی دیگر، ضعف در پالسخوگی به موقع از سوی شخص وزیر و مجموعه تحت مدیریت او، یکی دیگر از عوامل طرح استیضاح است. نماینده کاشمر گفت: خطر نشان کرد: از جمله انتقادات جدی وارد به عملکرد وزیر نیرو، عدم بر‌خورد قاطع با ماینرهای غیرمجاز، همچنین چلهای غیرمجاز در سطح کشور است؛ در حالی که شناسایی و مقابله با این موارد غیرقانونی، کار سخت و پیچیده‌ای نیست و انتظار می‌رفت وزارت نیرو در این زمینه عملکرد موثرتری داشته باشد. نیک‌بین گفت: از سوی دیگر آقای علی‌آبادی پیش‌تر وعده داده بود چاه موتورهای کشاورزی‌ای که به پل‌های خورشیدی مجهز شده‌اند و به اندازه مصرف بود برق تولید می‌کنند، مشمول قطع برق نخواهند شد. با این حال، از اردیبهشت امسال، برق همین چله‌ها نیز قطع شده که باعث نارضایتی شدید کشاورزان در مناطق مختلف کشور شده است. وی در پایان اعلام کرد: تاکنون ۱۶ نفر از نمایندگان مجلس طرح استیضاح وزیر نیرو را امضا کرده‌اند و این طرح در سامانه مجلس به ثبت رسیده است.



برندا شفر، تحلیلگر اسرائیلی و عضو ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)، یک اندیشکده نوحافظه‌کار آمریکایی با تمرکز بر سیاست‌های ضدایرانی، از چهره‌های کلیدی در تحلیل مسائل قفقاز جنوبی است. او که سابقه همکاری با شرکت نفت دولتی جمهوری آذربایجان (سوکار) به عنوان مشاور رادار، به دلیل مواضعش در حمایت از پروژه‌های ژئوپلیتیک که منافع ایران را تهدید می‌کند، شناخته شده است. شفر از حامیان سرسخت طرح‌های پان‌ترکیستی است که با هدف تقویت محور ترکیه – آذربایجان و کاهش نفوذ ایران و روسیه در منطقه طراحی شده است.

شفر با استفاده از جایگاه خود در محافل غربی، پروژه‌های ترانزیتی مانند کریدور زنگرور را به عنوان طرح‌های اقتصادی و صلح‌آمیز جلوه می‌دهد، در حالی که اهداف اصلی آنها تضعیف ایران و تقویت نفوذ غرب است.

او در گفت‌وگویی که اخیراً با یک رسانه روسی داشت، اظهار کرد: «پس از جنگ اخیر اسرائیل و ایران برای ارمنستان سخت‌تر است که مقاومت کند و همچنان خبا این کریدور را رد کند. در واقع، من این را از چندین مقام آمریکایی شنیدم که ایالات متحده تمایل دارد کریدور زنگرور باز شود. نه فقط به این دلیل که به صلح میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان کمک می‌کند، بلکه همچنین به این دلیل که راهی است برای اتصال متحد ناتویی یعنی ترکیه تا آسیای مرکزی. می‌دانید؟ این برای ترکیه مهم است و برای ایالات متحده هم مهم است».

این اظهارات به‌وضوح اهداف استراتژیک غرب در قفقاز جنوبی

گزارشی درباره اهداف ناتو در مرزهای شمال ایران

دسیسه زنگرور



را فاش می‌کند؛ اینکه ناتو چگونه به دنبال محاصره ژئوپلیتیک ایران در قفقاز است.

■ **زنگرور، ابزار محاصره ژئوپلیتیک ایران**

کریدور زنگرور پروژه‌ای است که با هدف ایجاد مسیری ترانزیتی از خاک ارمنستان (استان سیونیک) برای اتصال مستقیم جمهوری باکو به نخجوان و از آنجا به ترکیه طراحی شده است. این کریدور، با حمایت آمریکا، ناتو، ترکیه و رژیم صهیونیستی، بخشی از یک طرح کلان برای ایجاد یک «الان ناتویی» در قفقاز جنوبی است که ترکیه را به آسیای مرکزی متصل کرده و در نتیجه نفوذ ایران و روسیه را کاهش می‌دهد. اظهارات شفر به صراحت نشان می‌دهد این پروژه فراتر از یک مسیر ترانزیتی، ابزاری برای محاصره ژئوپلیتیک کشورمان است. او با اشاره به فشار بر ارمنستان برای پذیرش این کریدور، به نقش آن در تضعیف موقعیت ایران و تقویت محور پان‌ترکیستی – ناتویی اذعان کرده است. جمهوری باکو با پرمندگی از حمایت‌های مالی، نظامی و اطلاعاتی ترکیه و البته اسرائیل، به عنوان مجری اصلی این پروژه عمل می‌کند. باکو به‌تنها به دنبال دسترسی مستقیم به نخجوان است، بلکه می‌خواهد جایگاه خود را به عنوان هاب ترانزیتی محور پان‌ترکیسم تقویت کند؛ امری که با حذف ایران از معادلات ترانزیتی منطقه و کاهش وابستگی باکو به مسیرهای ترانزیتی ایران همراه خواهد بود.

در حال حاضر، باکو برای دسترسی به نخجوان به مسیرهای

زمینی ایران وابسته است اما کریدور زنگرور این وابستگی را بین برده و اهرم‌های دیپلماتیک و اقتصادی ایران را تضعیف می‌کند. این کریدور همچنین می‌تواند به عنوان مسیری استراتژیک برای انتقال تسلیحات و نیروهای ناتو به آسیای مرکزی عمل کند که تهدیدی مستقیم برای امنیت ایران است.

■ **اهداف و پیامدهای کریدور زنگرور برای منطقه و ایران**

کریدور زنگرور، در ظاهر یک پروژه ترانزیتی اما در باطن یک طرح ژئوپلیتیک با اهداف چندلایه است. این کریدور با عبور از استان سیونیک ارمنستان، می‌تواند مرز مشترک ایران و ارمنستان را قطع و دسترسی ایران به اروپا از طریق قفقاز را مختل کند. این امر ایران را در محور ترانزیتی آسیای مرکزی و خلیج‌فارس محصور کرده و از مسیرهای تجاری مدیریت‌انه حذف می‌کند. تحلیلگران ایرانی این پروژه را «کریدور تورانی ناتو» نامیده‌اند؛ زیرا معتقدند این مسیر نه‌تنها اهداف اقتصادی، بلکه مقاصد نظامی و امنیتی برای محاصره ایران را دنبال می‌کند. قطع مرز زمینی ایران با ارمنستان، دسترسی ایران به گرجستان و دریای سیاه را مختل کرده و ایران را از مسیرهای ترانزیتی اروپا محروم می‌کند، چرا که این مرز تنها مسیر زمینی ایران به اروپا از طریق قفقاز است و قطع آن، ایران را در انزوا قرارده ژئوپلیتیک قرار می‌دهد.

همچنین، کریدور زنگرور با ایجاد مسیر جایگزین، نقش ایران به عنوان هاب ترانزیتی بین آسیای مرکزی و خلیج‌فارس را تضعیف کرده و می‌تواند ایران را از پروژه‌های بین‌المللی مانند

تأملی درباره اقتصاد سیاسی یأس در ایران

نه صرفاً خود واقعیت، بلکه روایتی مسموم و فراگیر است که بر آن سایه می‌افکند.

در این میدان، رسانه‌های معاند و جریان‌های برانداز با بهره‌گیری از تکنیک‌های پیشرفته جنگ روانی و عملیات شناختی، به بازتولید روایت‌هایی می‌پردازند که امید را بی‌پایه و آینده را بن‌بست معرفی می‌کنند. بحران‌نمایی افراطی، تکرار سیستماتیک ناامیدی، حذف یا تحقیر روایت‌های بدیل، تسمیر باورهای دینی و ملی و تحریف تاریخ معاصر، از جمله ابزارهایی است که برای تخریب اعتماد عمومی و تهی‌سازی روانی جامعه به کار گرفته می‌شود. حتی موفقیت‌ها، اگر دیده شود، به عنوان تبلیغات یا فریب حکومتی انمود می‌شود. در کنار این، نوستالژی‌سازی کاذب از دوره‌هایی مانند پهلوی نیز کارکرد خود را دارد: ترسیم گذشته‌ای درخشان برای تیرنمناپی مطلق حال و آینده.

با این حال، نمی‌توان چشم بر زمینه‌های واقعی بست. تحریم‌های فلج‌کننده و چندلایه غربی و کاستی‌های مزمن مدیریتی، حقیقت‌هایی تلخند که بر زندگی مردم اثر مستقیم گذاشته‌اند. انکار این‌ها تنها فایده ندارد، بلکه به بی‌اعتمادی دامن می‌زند. نقطه بحرانی اما جایی است که این واقعیات در قالب روایتی طراحی‌شده و هدفمند بازنمایی می‌شود؛ روایتی که مأموریتش، خنثی‌سازی هر انگیزی را برای تغییر، ترمیم یا ساختن است.

در پس این جنگ روایت‌محور، سازوکارِ کلان و حساب‌شده نهفته است که از سوی دولت‌هایی مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی با سرمایه‌گذاری وسیع رسانه‌ای و فناوریانه هدایت می‌شود. هدف صرفاً فشار اقتصادی نیست، بلکه به‌رهم‌شکستن امید و اراده ملی است، شکستن ستون فقرات روانی جامعه. در برابر این پروژه پیچیده، تنها راه ایستادگی، شناخت سازوکار آن، بازبایی روایت ملی و بازسازی اعتماد و اقق جمعی است.

■ **چه کسانی از اقتصاد سیاسی یأس در ایران نفع می‌برند؟**

در تحلیل‌های افغان «اقتصاد سیاسی یأس» در ایران، می‌توان گفت مجموعه‌ای از بازیگران داخلی و خارجی، آگاهانه یا ناآگاهانه، در بازتولید و گسترش فضای ناامیدی در جامعه نقش دارند. این نقش‌آفرینی نه‌تنها برای تضعیف سرمایه اجتماعی، بلکه برای پیشبرد اهداف سیاسی و ژئوپلیتیک خاص انجام می‌شود.

در راس این بازیگران، رسانه‌های فارسی‌زبان مستقر در خارج از کشور قرار دارند. شبکه‌هایی نظیر BBC فارسی، اینترنشنال، صدای آمریکا و منوتو با بهره‌گیری از بودجه‌های کلان و دستور کارهای سیاسی مشخص، به طور سیستماتیک به برجسته‌سازی بحران‌ها، تحقیر دستوردها و القای بن‌بست در ساختار جمهوری اسلامی می‌پردازند. هدف نهایی آنها تغییر نگرش عمومی و تضعیف مشروعیت سیاسی کشور است. هم‌راستا با آنها، اپوزیسیون رادیکال خارج‌نشین نیز با نفی مطلق وضع موجود، یا از طریق بازنمایی نوستالژیک گذشته (سلطنت‌طلبان) یا طرح آرمان‌شهرهای غیرواقعی (برخی جریان‌های چپ)، هر گونه امکان اصلاح تدریجی یا تغییر درونی را بی‌اعتبار جلوه می‌دهند و تنها گزینه را در انقلاب‌های براندازانه و

تأملی درباره اقتصاد سیاسی یأس در ایران

«ابتکار کمربند و جاده» چین کنار بگذار. از طرف دیگر، نفوذ ترکیه و رژیم صهیونیستی در قفقاز از طریق این کریدور می‌تواند فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه در مناطق آذری‌نشین ایران را تشدید کند، بویژه با توجه به حمایت‌های تاریخی باکو و انکار از گروه‌های پان‌ترکیست و البته دکترین رژیم صهیونیستی در مقابله با ایران که بر محور تجزیه کشورمان استوار است.

این کریدور همچنین می‌تواند پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی غرب را در نزدیکی مرزهای ایران تقویت و تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی ایران ایجاد کند.

■ **مواضع ایران در قبال کریدور زنگرور**

ایران از زمان مطرح شدن ایده کریدور زنگرور، بویژه پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، مواضع قاطعانه‌ای در برابر این پروژه اتخاذ کرده است. مقامات کشورمان، بویژه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها اعلام کرده‌اند هر گونه تغییر مرزهای بین‌المللی منطقه یا قطع ارتباط زمینی ایران با ارمنستان «خط قرمز» تهران است.

این موضع نشان‌دهنده درک عمیق ایران از تهدیدات ژئوپلیتیک این پروژه است. در همین راستا، نیروهای مسلح کشورمان با برگزاری رزمایش‌های نظامی در نزدیکی مرزهای خود با آذربایجان، پیامی روشن به باکو و حامیانش ارسال کرده: هر گونه تهدید علیه منافع ملی ایران با پاسخ قاطع مواجه خواهد شد.

■ **موضع پزشکیان و ضرورت بازنگری در رویکرد ایران**

در چنین شرایطی، اظهارات اخیر مسعود پزشکیان که کریدور زنگرور را «مساله‌ای جزئی(!)» خوانده، نشان‌دهنده رویکردی ساده‌انگارانه به این پروژه ژئوپلیتیک علیه منافع کشورمان است. او حتی اشاره کرده جمهوری باکو «قوم و خویش» ما است و اگر روابط حسنه‌ای با رژیم علی‌فر نداریم، تقصیر ما است!

این موضع در حالی مطرح شده که اظهارات شفر به وضوح نشان می‌دهد رژیم باکو، با حمایت ناتو، ترکیه و تل‌آویو، به ابزاری برای پیشبرد پروژه‌های ضدایرانی غرب تبدیل شده است. جمهوری باکو در سال‌های اخیر اقدامات متعددی علیه منافع ایران انجام داده است، از جمله همکاری نزدیک با اسرائیل که شامل خرید تسلیحات پیشرفته و میزبانی از پایگاه‌های جاسوسی موساد در نزدیکی مرزهای ایران است. باکو همچنین در جنگ دوم قره‌باغ از گروه‌های تکفیری و مزدوران سوری تحت حمایت ترکیه استفاده کرد که تهدیدی مستقیم برای امنیت منطقه‌ای ایران بود.

باکو با ترویج روایت‌های پان‌ترکیستی، هویت تاریخی و فرهنگی ایران در قفقاز را تحریف کرده و با انتشار نقشه‌های جعلی و ادعاهای ارضی، وحدت ملی ایران را بویژه در مناطق شمال غرب کشورمان هدف قرار داده است.

این اقدامات نشان می‌دهد نبود روابط حسنه بین تهران و باکو بیش از آنکه نتیجه سیاست‌های ایران باشد، به رویکرد خصمانه رژیم باکو و استفاده از آن به عنوان ابزاری در دست غرب بازمی‌گردد. ادعای شفر مبنی بر «ضعیت ایران» و فشار بر ارمنستان، هشدار جدی است که نشان می‌دهد غرب در حال بهره‌برداری از شرایط کنونی برای پیشبرد اهداف خود است. در این شرایط، پزشکیان و دستگاه دیپلماسی ایران باید از مواضع انفعالی فاصله گرفته و با اتخاذ سیاست‌های قاطعانه، از منافع ملی ایران دفاع کنند.

گسست کامل می‌جویند.از سوی دیگر، دولت‌های متخاصم مانند آمریکا و رژیم اشغالگر، با توسل به ابزارهایی چون تحریم‌های اقتصادی، عملیات روانی، حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و تهدیدهای امنیتی، راهبرد فشار حداکثری را دنبال می‌کنند. در این چارچوب، تولید یأس اجتماعی بخشی از جنگ ترکیبی آنها علیه ایران تلقی می‌شود؛ جنگی نرم اما فرسایشی که هدف آن تضعیف روحیه ملی ایرانیان است. در نهایت، برخی نخبگان و جریان‌های داخلی نیز، بویژه در مواقع سرخوردگی ناامیدی نظری یا وابستگی به روایت‌های بیرونی، ناخواسته به بازتولید این گرفتمان دامن می‌زنند. تحلیل‌های یک‌سویه، نقد‌های فاقد راه‌حل و رواج فرهنگ «ناتوانی جمعی» نمونه‌هایی از این مشارکت داخلی‌اند. حتی فساد یا ناکارآمدی برخی نهادها، با اینکه بخشی از مشکل واقعی است، گاه ناخواسته به تقویت چرخه یأس کمک می‌کند.

در مجموع، اقتصاد سیاسی یأس در ایران حاصل کنش متقاطع و هم‌افزایی نیروهای خارجی و داخلی است. نیروهایی که نه‌فقط با بحران‌های عینی، بلکه با بازنمایی‌های هدفمند، سعی در بی‌آقق‌سازی ذهن و روان جامعه دارد.

■ **در برابر اقتصاد سیاسی یأس چه باید کرد؟**

مقابله با «اقتصاد سیاسی یأس» نیازمند راهبردی جامع، چندلایه و هوشمندانه است که به صورت هم‌زمان در ۳ سطح سیاست‌گذاری، رسانه‌ای و فرهنگ عمل کند. نخستین گام،

بازسازی روایت امید و پیشرفت است؛ این امر با تولید محتوای حرفه‌ای، صادقانه و جذاب درباره دستاوردهای علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور، معرفی الگوهای الهام‌بخش و پرشور از شعارزدگی محقق می‌شود. مبارزه بی‌تبعیض با فساد، افزایش کارآمدی و جایگزینی راه توسعه‌داد در بازرگاری مناظرات و گفت‌وگوهای آزاد، به روایت‌های یأس‌آلود، جامعه را به چشم‌اندازهای واقع‌گرایانه و امیدوارانه پیوند زد. اصلاحات واقعی در حکمرانی نیز ستون دیگر این مقابله است. مبارزه بی‌تبعیض با فساد، افزایش کارآمدی و عدالت، ارتقای شفافیت و پاسخگویی، همه در جهت بازسازی اعتماد عمومی و بی‌اث‌کردن روایت‌های تخریبی عمل می‌کند. در این مسیر، اقدامات عملی بسیار مؤثرتر از تبلیغات صرف‌الایه است. همچنین ارتقای سواد رسانه‌ای باید در دستور کار قرار گیرد؛ مردم باید توان تحلیل سواد، شناسایی اخبار جعلی و شناخت اهداف رسانه‌های معاند را به دست آورند. در کنار آن، حمایت از نخبگان، هنرمندان و جریان‌های خلاق که امید، هویت و خودباوری را تقویت می‌کنند، ضرورتی حیاتی است. مقابله با جنگ روانی نیز باید تحلیلی، مستند و فاعلانه باشد. با افشای اهداف و وابستگی‌های رسانه‌های دشمن و پاسخگویی مستدل به شبهات، می‌توان از افتادن در دام واکنش‌های احساسی و انفعالی پرهیز کرد. بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی نیز در بازنمایی واقع‌گرایانه چهره ایران به جهان مؤثر است.

در نهایت، تقویت سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد فضاهای گفت‌وگوی جمعی، مشارکت مدنی و تقویت حس تعلق،زمینه‌های فراهم می‌کند تا جامعه با اتکا به خود، از چرخه یأس عبور کند و به سوی بازبایی اعتماد، امید و کنشگری مؤثر گام بردارد.